

سفر به رشت

سلام به همه بازدید کنندگان محترم دست نویس

ظهر روز جمعه در شهر خلخال بودیم و تصمیم داشتیم جوجه برای کباب کردن تهیه کنیم.

تنها جایی که موفق به این کار شدیم یک رستوران بود که جوجه هایی که برای طبخ به سیخ کشیده بود را برامون جدا کرد و داخل یک ظرف ریخت. البته چون مدتی تو یخچال رستورانش مونده بود کمی خشک شده بود. خلاصه گوجه و میوه هم تهیه کردیم و به سمت اسالم حرکت کردیم.

در ابتدای جاده اسالم باک ماشین رو هم از بنزین سرشار کردیم. چند کیلومتری که پیش رفتیم جاده به یک دوراهی رسید که گویی یکی از مسیر فومن به شفت و آزاد راه رشت-قزوین می رسید و دیگری که راه سمت چپی بود و مسیر ما بود همان بود که با اسالم می سرید و از آن طریق به بیشتر شهرهای استان گیلان راه می یافت. (این راه یک کمی هم ایمن تر بود).

راستش کمی که جلو رفتیم دیگه احساس کردیم ابرها زیر پامون هستند. (من به یاد مه آلودگی غروبهای گدوک در جاده فیروزکوه افتادم و خیلی با این فضا حال کردم).

زدیم کنار جاده و به عالمه عکس و فیلم تهیه کردیم که متاسفانه بدلیل حجم بالای اونها و مشغله کاری زیاد من امکان و فرصت درج به همان صورت یا صور فشرده و کم حجم آن فعلا وجود نداره).

واقعا که خیلی زیبا بود. در کنار جاده بیلاق نشینان طالش "که گویا بدانها گالش گفته می شود" کلبه هایی از تخته های چوبی برای زندگی تابستانی خویش فراهم ساخته بودند. دیدن این صحنه ها بسیار زیبا و رمانتیک بود برای من. واقعا که هر جای این ایران عزیز و زیبا گوشه ای از پردیس خدای بزرگه.

بیلاق اسالم

القصة یک محوطه پهن دشت و مرتعی زیبا رو برای اتراق و صرف چاشت انتخاب کردیم. هوا کمی به سردی گراییده بود و با اینکه ساعت بین ۲ و ۳ بعد از ظهر رو در میانه مرداد ماه نشون می داد هوا خنک و لطیف بود و هوای اول بهار رو به ما یادآوری می کرد.

ناهار رو "جای همه شما دوستان خالی" صرف کردیم و پس از لختی استراحت مجددا به سمت اسالم حرکت کردیم.

ده پانزده کیلومتر دیگر که طی طریق کردیم چهره جاده و شرایط محیطی تغییر کرد و ارتفاع آن کم و کمتر شد و شیب رو به پایین گرفت. مشخص بود که ما از گردنه های قله وار جاده عبور کرده و به سمت دامنه شرقی سرازیر شده ایم. خوشبختانه فضای جدید که آکنده از نم و رطوبت و آغشته به مه بود و از داخل جنگلی بکر و زیبا می گذشت خاطرات مازندران خودمان را برام زنده کرده بود.

حدوداً ۲۰-۲۵ کیلومتر که اومدیم و پس از گذشتن از میان روستاهای زیبای کوهپایه ای به دروازه شهر اسالم رسیدیم که در نزدیکی ساحل غربی دریای خزر واقع است.

بر اساس تصمیم قبلی می خواستیم هم ساحل گیسوم را ببینیم و کمی نزدیک دریا باشیم...

ساحل گیسوم حدوداً چهارده کیلومتری شمال اسالم واقع است که پس از طی جاده زیبایی به طول حدوداً ۵ کیلومتر از بر جاده اصلی اسالم به آستارا تا دریا به آن می رسیدیم. البته خود جنگل گیسوم و راه زیبایش بهتر از ساحلش است که متأسفانه طی سالهای اخیر خیلی شلوغ شده و آنطور که باید هم تمیز نیست و به آن رسیدگی نمی شود.

خلاصه یک ساعتی هم لب دریا بودیم و نوشیدنی خوردیم و بچه های هم اسب سواری کردند. برگشتنی هم بانوان گروه شال و روسری از فروشندگان آن اطراف خریداری کردند.

سپس راهمان را به سمت بندر انزلی ادامه دادیم و حدود ساعت شش - شش و نیم غروب بود که به انزلی رسیدیم.

اراده جمع بر این استوار شده بود که برای سیاحت مرداب انزلی قایقی کرایه کنیم.

خلاصه قایق را کرایه کردیم فکر کنم حدود ۴۰ هزار تومان و برای دورترین مسیر ممکن (که تا محل نیلوفرهای آبی می رفت).

رفت و برگشتمان البته کمتر از یک ساعت طول کشید و خوب غروب خورشید را این بار از داخل تالاب انزلی به نظاره نشستیم که بسیار خاطره انگیز بود برامون.

پایان